



فیلیپ لاکو - لاہارت



ژان - لوک نانسی



ژاک لکان

عنوان حرف: خوانشی از لکان*

اثری از: ژان - لوک نانسی و فیلیپ لاکو - لاہارت.

وحید سادات

ژاک لکان در سمیناری به سال ۱۹۷۳، مخاطبانش را به خواندن کتابی با نام *عنوان حرف: خوانشی از لکان* دعوت می‌کند. وی می‌گوید:
«... به هر طریق: اگر پرسشی درباره خواندن مطرح است؛ می‌توانم بگویم که من هیچ‌گاه آن را به این صورت - با علاقه فراوان - نخوانده بودم ... در ادامه باید بگویم که این [کتاب] الگویی از یک خواندن خوب است، تا آن اندازه که می‌توانم بگویم تأسف می‌خورم از این که هیچ‌گاه از سوی اطرافیانم چیزی پیدا نکرده‌ام که به این اثر برسد...»
همچنین ژاک دریدا در هنگام انتقاد خویش بر نظریات مکان به این کتاب تکیه می‌کند. دریدا این کتاب

را هم برای فهم لکان و هم برای فهم انتقادات خودش مفید می‌شمارد. این کتاب که دست به بنیان‌فکنی آثار لکان زده است، حال خود به یکی از آثار کلیدی پسا‌ساختارگرایی فرانسه تبدیل شده است که سه حوزه فکری نشانه‌شناسی، روان‌کاوی و نقد نظری را در هم می‌پیوندد. چیزی که به این کتاب اهمیت می‌دهد همان نکته‌ای است که به کل سنت فکری فرانسه در قرن بیستم نیرو بخشیده است؛ یعنی بحث بر سر ماهیت نشانه زبانی. در حقیقت این کتاب درباره نشانه زبانی و به طور دقیق‌تر درباره دال است نه درباره لکان. بازی زبانی حاضر در عنوان کتاب *the title of the letter* - که حتی خواندن و ترجمه آن را مسئله‌دار می‌کند - به همین مطلب اشاره دارد. این عنوان به دو سمینار معروف لکان با عنوان «عاملیت حرف در ناخودآگاه یا عقل از زمان فروید»^۲ و «سمینار درباره نامه روده شده»^۳ اشاره دارد. در این دو سمینار لکان با استفاده از معناهای چندگانه واژه *letter* [حرف/نامه] و اشاره به داستان نامه روده شده، اثر ادگار آلن پو به ارتباط درونی حرف، نوشتار و ناخودآگاه می‌پردازد. به عقیده لکان همان‌طور که در داستان آلن پو نامه‌ای که دست به دست می‌گردد، یک معنای ثابت ندارد و هر کس که مالک آن است، معنایی در آن می‌یابد، حروف نیز به همین صورت هستند و از سوی هر کس (به ویژه فرد بیمار) که ادا شوند باید به صورت جدا جدا و در ارتباط با ناخودآگاه وی تعبیر شوند، نه در بافت گفتار وی. زیرا از آنجا که واژه‌ها و نوشتار با امر واقع در ارتباط هستند و از ویژگی بدون معنا بودن برخوردارند، مکانیسم انتخاب آنها از سوی سوژه می‌تواند معبری برای به تصویر کشیدن ناخودآگاه سوژه باشند، اما برخلاف لکان که بر شباهت حرف و نوشتار تأکید می‌کند تا از طریق پیوند نوشتار و ناخودآگاه بتواند بین واژه‌های فرد و ناخودآگاه وی پلی بزند و تعبیری از حرف‌های وی به دست بدهد، نانسی و لا‌بارت بر تفاوت حرف و نوشتار تأکید می‌کنند و مدعی هستند نوشتار برعکس گفتار، همیشه در گذشته اتفاق می‌افتد و از آنجا که بین زمان نوشتن و زمان خواندن فاصله است، نوشتار (و در نتیجه ناخودآگاه) هیچ‌گاه به حوزه واقع و حقیقت راه نمی‌یابد. نانسی و لا‌بارت با اشاره به گفته‌های لکان در یک سمینار که از شنوندگان خود می‌خواست که کتاب نوشته‌ها (Ecrits) ی وی را بخوانند،^۴ اظهار می‌کنند که لکان با رهنمون کردن مخاطبانش به خواندن یک نوشته درخواست (demand) آنها را برای دریافت حقیقت که می‌توانست از طریق گفتار ارضاء شود، تبدیل به میلی می‌کند که در خلال انحراف‌ها و اجتناب بنیادین نوشتار از ارائه معنا، هیچ‌گاه ارضاء نمی‌شود. لکان با بازی با میل مخاطبانش خود را به یک مؤلف و محور معنا تبدیل می‌کند. انتقاد اصلی این دو به لکان از همین‌جا شکل می‌گیرد که در نهایت کل نظریه نشانه‌شناسی ساختارگرا را یک استراتژی برای تحکم بخشیدن به مرکزیت مؤلف می‌داند.

این انتقاد در پس ساختمان بسیار منطقی کتاب شکل گرفته است. کتاب از دو بخش اصلی تشکیل شده در بخش اول نانسی و لا‌بارت به طرح نظریه دال‌شناسانه لکان می‌پردازند و در بخش دوم آن را به عنوان یک استراتژی به چالش می‌کشند.

بخش اول کتاب، منطق دال (The Logic of the Signifier)، در چهار قسمت به زیبایی کل نظریه دال و ارتباط آن را با نظریات لکان، باز می‌شناسد. در ابتدا به معرفی چیزی به نام علم حرف می‌پردازد. در نگاه اول به شیوه‌ای سوسوری ادعا می‌شود که این علم به تبیین ساختار زبان با توجه به نقش سوژه در آن می‌پردازد. چیزی که معادل ماهیت اختیاری نشانه در نزد سوسور، شبکه دال‌ها در نزد دریدا و شباهت زبان و ناخودآگاه در نظریات لکان است. در مرحله بعد به اعتقاد نانسی و لا‌بارت این علم به تهی شدن سوژه از معنای خویش و عجز او از به دست آوردن این معنا می‌انجامد. در سایه دانشی که صحبت از دال‌های مادی و شبکه افتراق‌ها و عدم ضرورت نظام زبان در ارتباط با حوزه واقع می‌کند، به نظر می‌رسد که به هیچ روی نمی‌توان سطح واقعیت را لمس کرد. این امر توسط ساز و کار درونی این علم صورت می‌گیرد که در قسمت دوم این بخش، به نام الگوریتم و عملکرد به آن پرداخته می‌شود.

در نزد سوسور زبان نظامی از نشانه‌های دو جزئی است که در افتراق با یکدیگر قرار دارند و هر زبان به شیوه خاص خود جهان خارج را برش زده و این تقسیمات کل آن را پوشش می‌دهند. به عنوان مثال، واژه‌ای



کتاب از دو بخش اصلی
تشکیل شده
در بخش اول
نانسی و لا‌بارت
به طرح نظریه
دال‌شناسانه لکان می‌پردازند
و در بخش دوم
آن را به عنوان
یک استراتژی
به چالش می‌کشند.

در واقع انتقاد اصلی
نانسی و لابارت
در بخش دوم کتاب،
استراتژی دال
The strategy of the
(signifier)

به عقیده این دو
نشانه سوسوری و
دال لکان استراتژی است
که مرکزیت نظام
معرفت بشری را
شکل داده و
تمام نظریات
هستی‌شناسانه
حول این هسته
ثبات پیدا می‌کنند.

مثل «درخت» در زبان فارسی که تقابل با کل واژه‌های دیگر دارد و در این بافت معنا می‌دهد. به این وسیله شیء خاصی در جهان را هدف قرار می‌دهد. یا به دید نانسی و لابارت تقابل‌های دو واژه زن و مرد احتمالاً به تقابلی در جهان خارج اشاره دارند و از نگاه سوسوری هیچ منطقی پیش از این تقسیم‌بندی دوگانه نشانه قرار ندارد که بر آن اثر بگذارد، اما نانسی و لابارت با اشاره به کاربردهای واژه‌های زن و مرد در مورد توالت‌های عمومی نشان می‌دهند که این تقسیم‌بندی در امر واقع ریشه ندارد؛ بلکه اصولاً مربوط به سطح نمادین است. زیرا از کل تمایزهایی که در دو موجود خارجی به نام زن و مرد وجود دارد، به تمایزی تصریح شده که ریشه در تصویری انسانی دارد؛ یعنی از کل تمایزهای موجود بین اشیاء خارجی در شبکه دال‌ها آن تمایزی انتخاب می‌شود که به سود نظام قدرت و تسلط باشد. هنگام شکل‌گیری نشانه‌ها نظام اجتماعی انسان محور چیزی را به درون این واحد دو جزئی تزریق می‌کند که در نهایت به سود شکل‌گیری قوانین سرکوب و تبعیض بنیادین نژادی به بار می‌نشیند. این دال‌هایی که به گونه‌ای سیاسی به یکدیگر پیوسته‌اند، تقسیم سلولی شده و رشد می‌کنند و در نهایت چیزی را به وجود می‌آورند به نام درخت دال (The Tree of the signifier) که دارای مکانیسم فروبری و تقسیم مغرضانه کل امر واقع است. در این حالت چیزهای خارجی نه به مثابه واقعیت بلکه به مثابه امر دلالتی (significance) به ما عیان می‌شوند. دو قسمت بعدی کتاب با تعداد زیادی از استدلال‌های هیجان‌انگیز بر حول این دو مفهوم شکل می‌گیرند. وقتی بخش اول کتاب به پایان می‌رسد با خود فکر می‌کنید که آیا چیزی دیگری برای به چالش کشیدن باقی مانده است.

در واقع انتقاد اصلی نانسی و لابارت در بخش دوم کتاب، استراتژی دال (The strategy of the signifier) به عقیده این دو نشانه سوسوری و دال لکان استراتژی است که مرکزیت نظام معرفت بشری را شکل داده و تمام نظریات هستی‌شناسانه حول این هسته ثبات پیدا می‌کنند. در این بخش کتاب در ابتدا به طرح مفهوم استراتژی می‌پردازد. استراتژی در این معنا ساز و کاری است که یک نظام برمی‌گزیند تا کل این نظام استوار بماند. به عقیده نانسی و لابارت سیستم تفسیر سنتی با برگرفتن نظریه دال و مدل‌سوزی انسانی را به سمت خواندن هدایت می‌کند. لحظات فکری او که رو به سوی شناخت هستی دارد به سمت خواندن منحرف می‌شود، همان خواندنی که خود انحراف از معناست. خواندنی که هیچ‌گاه صورت نمی‌گیرد، زیرا وابسته به معنایی است که همیشه فرو می‌ریزد و فرو می‌ریزند. این استراتژی تبعاتی در کل نظام معرفتی دارد. به کل حوزه‌های نظری گوناگون خاصیت ترکیبی و ساختاری می‌بخشد؛ یعنی کل نظریه‌های موجود در پرتو این آموزه یک‌دست شده و تناقضات خود را با یکدیگر می‌پوشانند، چرا که دیگر به امر واقع متصل نیستند و در تقابل با یکدیگر وجود دارند. به این ترتیب، در پایان کتاب نانسی و لابارت به وسیله الگوریتمی که در مرکز آن الگوی دو جزئی نشانه قرار دارد، کل سیستم معرفتی غرب را صورت‌بندی کرده و هم‌پوشانی آن را نشان می‌دهند. این سیستم نه به سوی دریافت حقیقت، بلکه به سوی بازیافت حقیقتی توافقی حرکت می‌کند. نانسی و لابارت نقطه اوج آن را در داخل شدن روان‌کاوی به حوزه نظری می‌دانند.

پی‌نوشت‌ها:

- * *The Title of the Letter A reading of Lacan*, Jean – Luc Nancy and Philippe Lacoue – Labarthe, Translated by: Francois Raffoul and David Pettigrew, Published by State University of New York Press (SuhY).
1. Lacan, *God and the Touissance of woman* Liver XX Encore (Paris: Editions du seail, 1975), P. 63
 2. Lacan, “The Agency of the Letter in the unconscious or reason since Fread”, 1957.
 3. Lacan, “Seminar on the purloined Letter”, 1955.
 4. Lacan, *Radiophonic*, Scilicet no 213, P.55.